

نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی شهرستان ممسنی

پروین دارابی^۱، نیما شهیدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی شهرستان ممسنی بود. پژوهش حاضر، به لحاظ هدف، کاربردی و از حیث روش انجام آن، در زمره پژوهش‌های پیمایشی بود. همچنین از لحاظ زمانی، مقطعی و یک تحقیق توصیفی بوده، که از روش همبستگی استفاده شد. جامعه آماری موردنظر در این مطالعه معلمان ابتدایی شهرستان ممسنی (۶۵۰ نفر) و با توجه به جدول مورگان، ۲۴۲ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای بود. گردآوری اطلاعات آماری از سه پرسشنامه استاندارد عملکرد شغلی معلمان (هرسی و گلداسمیت، ۱۹۸۱)، هوش هیجانی (گلمن، ۲۰۰۱) و ساختار توانمندساز مدارس (هوی و سویتلند، ۲۰۰۱) استفاده شد. روایی محتوایی هر سه پرسشنامه توسط صاحب‌نظران تأیید گردید است و پایایی آن پس از اجرای آزمایشی بین ۳۰ نفر از جامعه آماری به وسیله محاسبه آلفای کرونباخ برای سه پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۲۷، ۰/۷۹۱ و ۰/۷۵۰ تعیین گردید. از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t مستقل و تحلیل مسیر برای آزمون فرضیات پژوهش استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون در این مطالعه نشان داد که بین ساختار توانمندساز مدارس، هوش هیجانی و عملکرد معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است ($P < 0/01$). عملکرد شغلی معلمان زن و مرد در مدارس ابتدایی شهرستان ممسنی تفاوت معناداری دارند ($P < 0/05$). همچنین، نتایج آزمون تحلیل مسیر نشان داد که هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی شهرستان ممسنی، نقش واسطه‌ای دارد ($P < 0/01$). هرچقدر آموزش و پرورش در توسعه توانمندسازی مدارس در حوزه‌های مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بیشتر باشد، معلمان قدرت بیشتری در کنترل و درک احساسات خود و دیگران (هوش هیجانی) خواهند داشت و در نتیجه با رضایت خاطر و آرامش بالاتری اقدام به انجام وظایف خواهند نمود و در نتیجه عملکرد شغلی آن‌ها بهبود می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، ساختار توانمندساز مدارس، عملکرد معلمان

۱. گروه علوم تربیتی، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.
 ۲. گروه علوم تربیتی، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.

مقدمه

یکی از ارکان اساسی هر جامعه، نظام آموزش و پرورش آن است که از کارکردهای مهم آن، توانمند کردن یادگیرندگان به عنوان یک موجود انسانی و به کارگیری حداکثر استعدادها و تجهیز آنها به ابزارها و روش هایی است که امکان توفیق و مهارت در رسیدن به کمال را برای آنها فراهم سازد (اشرفیان و صالحی، ۱۴۰۰). منابع انسانی به عنوان مهم ترین و بارزترین منبع در موفقیت سازمان نقش بسزایی دارد چراکه منابع انسانی سازمان، قابلیت تغییر در عملکرد خود را دارد و اصلی ترین ابزار تحقق اهداف سازمانی محسوب می شود (آذرنیوشان و همکاران، ۱۳۹۷). عملکرد شغلی را ارزش های کلی مورد انتظار سازمان از بخش های مختلف سازمانی تعریف می کنند که به تفکیک افراد فعال در آن بخش ارائه می شود و هر فرد در طول دوره ای مشخص از زمان آن را انجام می دهد (پلاتیس و همکاران، ۲۰۱۵). در سازمان های آموزشی با توجه به حساسیت و زیربنایی بودن آن، بحث ارزیابی و توجه به عملکرد معلمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است به طوری که هرساله عملکرد معلمان بر اساس کاربرگ های خاصی موردسنجش و مقایسه قرار می گیرد (چندلر، ۲۰۱۰). هرگونه تحول اساسی در جامعه مستلزم متحول شدن نظام آموزشی آن جامعه است و محور اصلی پیشرفت هر نظام آموزشی، کیفیت عملکرد معلم است و معلم نیز به عنوان مهم ترین رکن تعلیم و تربیت در تربیت ابعاد آموزشی، اجتماعی و شخصیتی دانش آموزان نقش به سزایی ایفا می کند و با عنایت بر این مسئله که عملکرد خوب دانش آموزان و تسهیل یادگیری آنها در گرو عملکرد شغلی مطلوب معلمان و کیفیت تدریس و آموزش آنها است، درک عواملی که بر عملکرد شغلی معلمان مؤثر است، ضروری به نظر می رسد (زوار و همکاران، ۱۴۰۰). عوامل زیادی با عملکرد معلمان در ارتباط هست و در این مطالعه بر ساختار توانمندساز مدارس و هوش هیجانی تأکید می شود.

نقش مدرسه در بافت توسعه پایدار به طور چشمگیری توسط یونسکو و پژوهشگران در خصوص موضوع آموزش و پیامدهای آن موردبررسی و بحث قرار گرفته است (دلوا و پوسپیسیلووا، ۲۰۱۸). گرچه اصلاحات بی شمار، سیاست های بسیار و برنامه های متعددی برای کاهش نقاط ضعف مدارس انجام شده است، اغلب بی شمار سیاست های بسیار و برنامه های متعددی برای کاهش نقاط ضعف مدارس انجام شده است، اغلب این تلاش ها همچنان نقش توانمندسازی در مدارس را مورد غفلت قرار داده اند (کریک و همکاران، ۲۰۱۷). نظریه توانمندسازی عموماً به فرآیندها و نتایجی مربوط می شود که افراد را قادر می سازد تا کار خود را کنترل کنند و با افزایش قدرت خود در سطح روان شناختی و/یا ساختاری،

برای بهبود شرایط خود اقدام کنند. از منظر سازمانی، توانمندسازی فرآیندی است که توسط ساختار سازمانی تعیین می‌شود که افراد را قادر می‌سازد تا از طریق دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، پشتیبانی و منابع به اهداف کاری خود برسند (سانگ و همکاران، ۲۰۲۲). ساختار توانمندساز مدارس عبارت است از درک رهبران آموزشی به پرورش حس همکاری، نوآوری و اعتماد در میان همکاران هست؛ و از مزایای آن نیز می‌توان به انعطاف‌پذیری و افزایش مهارت‌های حل مسئله می‌شود (هوی و اسویتلند، ۲۰۰۱). بر پایه شناخت و درک توانمندسازی، ساختار توانمندساز در مدارس را می‌توان به‌عنوان محیط و ساختاری که فرآیندهای توانمندساز در آن به انجام می‌رسند و منجر به برون‌دادهای توانمندساز، توسط اعضای آن می‌شود؛ تعریف نمود (بالکار، ۲۰۱۵). از نظر سایندن و همکاران (۲۰۰۴). ساختار توانمندساز مدارس درحالی‌که معلمان و مدیران مسئولیت‌های مجزای خود را انجام می‌دهند، به اثربخشی و انجام فعالیت‌های مدرسه کمک می‌کند. در ساختار توانمند مدیران و معلمان تحت نظارت مرزهای مشخص‌شده همکاری دارند و در همین حال نقش‌های متمایز خود را نیز ایفا می‌کنند. همین‌طور قوانین و مقررات به‌جای اینکه وقوع خطا را محدود کنند، راهنمایی‌های انعطاف‌پذیری برای حل مشکل هستند (سایندن و هوی، ۲۰۱۱). بنابراین رفتار معلمان به‌دقت مدیریت‌شده و به‌سختی کنترل می‌شود. هم سلسله‌مراتب و هم قوانین برای کنترل به‌طور یکسان استفاده می‌شوند. این ساختار برای اطمینان از این مسئله به کار گرفته می‌شود که معلمان دارای نقص، مشکل و بی‌مسئولیت دقیقاً کاری را انجام دهند که مدیران گفته‌اند (گرایی و همکاران، ۱۳۹۸). فضلی (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای با عنوان الگوسازی رابطه ساختار توانمندساز مدارس، هوش هیجانی و اثربخشی مدارس شهر اهواز، نشان داده است ساختار توانمندساز مدارس و هوش هیجانی تأثیر معنادار و قابل‌توجهی بر اثربخشی مدارس شهر اهواز داشته است. جونز و همکاران (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای اقدام به بررسی تأثیر ساختار توانمندساز مدارس و تعلق خاطر کاری بر عملکرد معلمان پرداختند و نتایج این مطالعه نشان داده است که ساختار توانمندساز مدارس و تعلق خاطر کاری بر عملکرد معلمان تأثیر مثبت و مستقیمی داشته‌اند.

هوش هیجانی شامل درک دقیق و درست هیجان‌ها، ایجاد و دسترسی به هیجان‌ها به‌منظور توجه به افکار، در و دانش عاطفی، تنظیم انعطاف‌پذیر هیجان‌ها در راستای تقویت رشد هیجانی و فکری است (هاشیم و خلیل، ۲۰۱۸). هوش هیجانی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از هوش اجتماعی، به فرد قدرت کنترل احساس‌های خود و دیگران را می‌دهد. افراد

دارای هوش هیجانی بالا، احساس های خود را به دقت درک کرده و به صورت یکپارچه از آن استفاده می کنند (رنجبر و همکاران، ۲۰۱۷). سبحانی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر هوش هیجانی بر عملکرد شغلی معلمان ابتدایی شهر مریوان نمودند و یافته های پژوهش نشان داد هوش هیجانی و مؤلفه های آن با عملکرد شغلی معلمان ابتدایی رابطه معنی داری دارد. ایرامیت و همکاران (۲۰۱۹)، در مطالعه ای به بررسی نقش شایستگی های هوش هیجانی در آموزش مؤثر و عملکرد معلم در آموزش عالی پرداختند و نتایج نشان داد که شایستگی های تدریس مبتنی بر هوش هیجانی تأثیر زیادی بر نگرش معلمان دارد که به نوبه خود بیشترین عملکرد را نسبت به عملکرد برتر دارند.

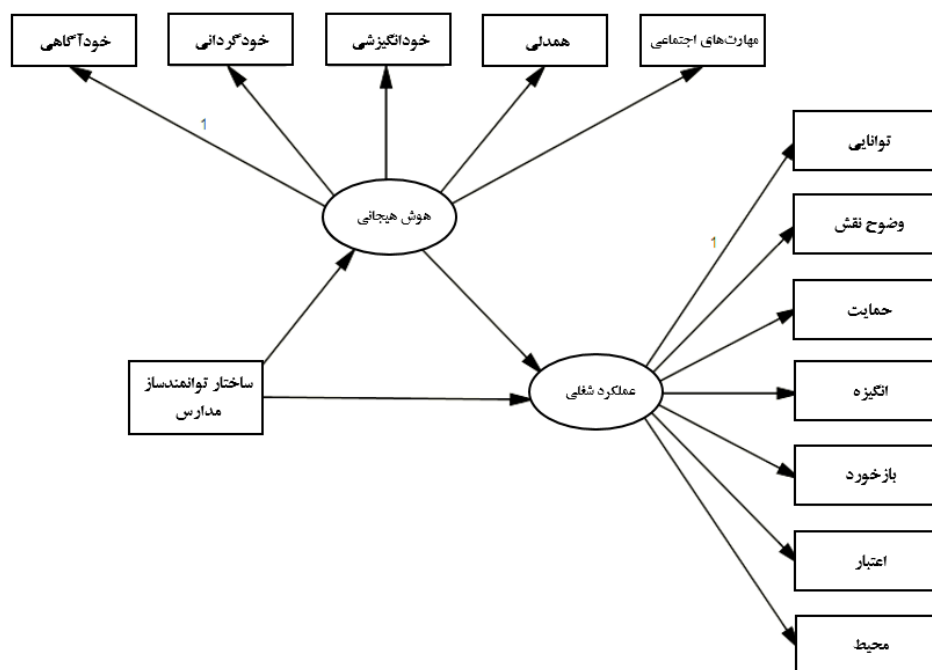
شناسایی عوامل مؤثر بر عملکرد شغلی می تواند یاری گر مسئولان و برنامه ریزان آموزش و پرورش جهت سیاست گذاری های سازمان باشد و در بهبود عملکرد سیستم آموزشی مخصوصاً در شهرستان هایی همچون ممسنی که دارای استعداد فراوان در حوزه آموزش و پرورش هستند، شود. عملکرد شغلی فرد برای بقای سازمانی بسیار مهم است و می تواند به عنوان مهم ترین نتیجه کار مدنظر قرار گرفته شود. اگر معلمان شهرستان عملکرد شغلی مناسبی داشته باشند، می توان شاهد پیشرفت تحصیلی و موفقیت بیشتر دانش آموزان این منطقه بوده و سطح علمی منطقه و کشور نیز بهبود پیدا خواهد کرد. نتایج این مقاله می تواند برای سیستم آموزشی کشور مثمر ثمر واقع گردد. هدف اصلی این مطالعه، نقش واسطه ای هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی شهرستان ممسنی هست.

روش

این تحقیق برحسب هدف، کاربردی و همچنین از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی و از لحاظ زمانی، مقطعی بود. جامعه آماری در مطالعه حاضر، کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهر نورآباد ممسنی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ هست. بنا بر اطلاعات موجود تعداد آنان حدود ۶۵۰ نفر (۵۵٪ مرد و ۴۵٪ زن) می باشند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان-کرجسی برابر ۲۴۲ نفر در نظر گرفته شد. روش نمونه گیری این پژوهش، نمونه گیری تصادفی طبقه ای (معلمان مرد و زن برحسب سهمشان در جامعه آماری) بوده است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه ای و میدانی بود. در این مطالعه از ۳ پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات آماری استفاده شد. پرسشنامه عملکرد شغلی معلمان توسط هرسی و گلداسمیت (۱۹۸۱) ساخته شده است که از ۴۲ گویه و ۷ بعد توانایی، وضوح نقش، حمایت، انگیزه، بازخور، اعتبار و محیط تشکیل شده است که به منظور سنجش عملکرد شغلی معلمان بکار می رود. برای سنجش هوش

هیجانی، از پرسشنامه استاندارد گلمن (۲۰۰۱) استفاده شده است که ابعاد پنج‌گانه هوش هیجانی شامل: خودآگاهی، خودگردانی، خود انگیزشی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی را می‌سنجد. پرسشنامه ساختار توانمندساز مدارس توسط هوی و سویتلند (۲۰۰۱) ساخته شده است که از ۱۲ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش ساختار توانمندساز مدارس بکار می‌رود. روایی صوری پرسشنامه‌ها توسط اساتید راهنما و متخصصین مدیریت مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. برای بررسی پایایی ابزار سنجش از آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده بالاتر از ۰/۷۰ بود، بنابراین پایایی مورد تأیید قرار گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات به دست آمده به وسیله نرم افزارهای SPSS و Amos تحلیل شدند. به منظور تعیین نرمال و یا غیر نرمال بودن داده‌ها، از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده و به تناسب نتیجه این آزمون، از آزمون‌های استنباطی نظیر همبستگی پیرسون (برای بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق) و تحلیل مسیر (برای بررسی نقش واسطه‌ای) استفاده شد.

در این مقاله از عملکرد شغلی معلمان به عنوان متغیر وابسته استفاده و برای اندازه‌گیری این متغیر از مدل هرسی و گلداسمیت (۱۹۸۱) که از ۴۲ گویه و ۷ بعد توانایی، وضوح نقش، حمایت، انگیزه، بازخور، اعتبار و محیط بود، بهره‌گیری شد. متغیر هوش هیجانی به عنوان متغیر واسطه‌ای انتخاب و برای سنجش آن از مدل استاندارد گلمن (۲۰۰۱) استفاده شده است که ابعاد پنج‌گانه هوش هیجانی شامل: خودآگاهی، خودگردانی، خود انگیزشی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی است. متغیر ساختار توانمندساز مدارس در این مطالعه نقش متغیر مستقل را داشته و برای اندازه‌گیری آن از مدل هوی و سویتلند (۲۰۰۱) استفاده شد. با توجه چارچوب نظری تحقیق، مدل مفهومی به شکل ذیل هست:



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

یافته ها

یافته های توصیفی: جدول ۱، توزیع فراوانی گروه مورد مطالعه را با توجه به جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کاری آن ها نشان می دهد.

جدول (۱-۴). توزیع فراوانی گروه مورد مطالعه با توجه به جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۱۰	۴۵/۵
زن	۱۳۲	۵۴/۵
سن	کمتر از ۳۰ سال	۱۸/۶
	۳۱ تا ۴۰ سال	۴۳/۴
	۴۱ تا ۵۰ سال	۲۵/۶
	۵۱ سال به بالا	۱۲/۴
تحصیلات	فوق دیپلم و کمتر از آن	۱۲
	لیسانس	۵۹/۹
	فوق لیسانس به بالا	۲۸/۱
سابقه کاری	کمتر از ۱۰ سال	۲۴/۴
	۱۱ تا ۲۰ سال	۴۷/۱
	۲۱ تا ۳۰ سال	۲۸/۵
کل	۲۴۲	۱۰۰

بررسی نرمال بودن متغیرها: به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنف و شاخص-های کجی و کشیدگی استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره	درجه آزادی	معناداری	کجی	کشیدگی
ساختار توانمندساز مدرسه	۰/۰۷۲	۲۴۲	۰/۰۰۴	۰/۱۳۵	-۰/۱۱۷
هوش هیجانی	۰/۰۸۲	۲۴۲	۰/۰۰۱	-۰/۴۰۱	-۰/۱۷۳
عملکرد شغلی	۰/۰۴۹	۲۴۲	۰/۲۰	-۰/۱۳۰	-۰/۳۷۶

جدول ۱، آزمون کولموگروف-اسمیرنف به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای ساختار توانمندساز مدرسه، هوش هیجانی و عملکرد شغلی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار آماره این آزمون برای متغیر ساختار توانمندساز مدرسه و هوش هیجانی از لحاظ آماری معنادار ($P < ۰/۰۵$) و برای متغیر عملکرد شغلی از لحاظ آماری غیر معنادار به دست آمده است ($P > ۰/۰۵$). با توجه به اینکه این آزمون حساس به حجم نمونه است متخصصان شاخص‌های دیگری را نیز برای بررسی نرمال بودن متغیرها در نظر گرفته‌اند که از جمله آن‌ها شاخص‌های کجی و کشیدگی می‌باشند. چنانچه ضرایب کجی در بازه ی ۲- تا ۲ و ضرایب کشیدگی در بازه ی ۵- تا ۵ باشد می‌توان گفت که توزیع نرمال است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود مقدار این شاخص برای هر سه متغیر در بازه مورد نظر قرار دارد. از این رو می‌توان گفت که از پیش فرض نرمال بودن تخطی نشده است و می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

آزمون فرضیات

- فرضیه اول: بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی شهرستان ممسنی رابطه وجود دارد. به منظور بررسی رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد شغلی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد شغلی

متغیرها	ساختار توانمندساز مدرسه	عملکرد شغلی	نتایج	وضوح نقش	همبند	آنگیزه	بازخورد	اعتبار
	۱							

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین هوش هیجانی و عملکرد شغلی

متغیرها	هوش هیجانی	خودآگاهی	خودگردانی	خود انگیزی	همدلی	هوش هیجانی	عملکرد شغلی
هوش هیجانی	۱						
خودآگاهی	۰/۲۸۱**	۱					
خودگردانی	۰/۶۷۶**	۰/۳۹**	۱				
خود انگیزی	۰/۵۱۴**	۰/۲۶**	۰/۳۶۴**	۱			
همدلی	۰/۶۷۷**	۰/۱۸۷**	۰/۳۲**	۰/۳۶۷**	۱		
هوش هیجانی	۰/۳۲۹**	۰/۴۲۶**	۰/۴۶۶**	۰/۲۳۷**	۰/۰۶۴	۱	
عملکرد شغلی	۰/۶۱**	۰/۴۷۴**	۰/۴۶۷**	۰/۴۲۶**	۰/۳۲۶**	۰/۵۰۹**	۱

p<۰/۰۱ ** P<۰/۰۵ *

- فرضیه سوم: بین ساختار توانمندساز مدارس و هوش هیجانی معلمان ابتدایی شهرستان ممسنی رابطه وجود دارد. به‌منظور بررسی رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و هوش هیجانی معلمان ابتدایی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۵. ماتریس همبستگی بین ساختار توانمندساز مدارس و هوش هیجانی معلمان ابتدایی

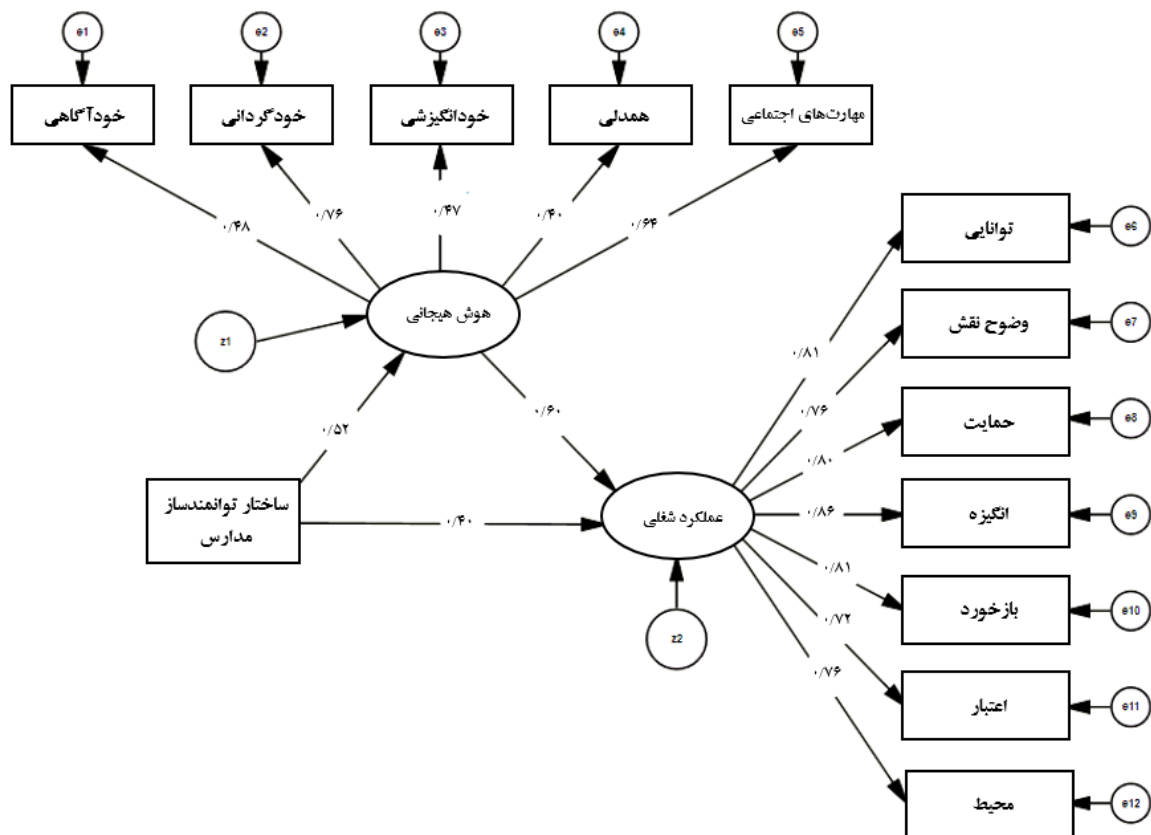
متغیرها	ساختار توانمندساز	هوش هیجانی	خودآگاهی	خودگردانی	خود انگیزی	همدلی	مهارت اجتماعی
ساختار توانمندساز مدارس	۱						
هوش هیجانی	۰/۴۵۹**	۱					
خودآگاهی	۰/۴۱۵**	۰/۲۸۱**	۱				
خودگردانی	۰/۳۱۸**	۰/۶۷۶**	۰/۳۹**	۱			
خود انگیزی	۰/۳۴۴**	۰/۵۱۴**	۰/۲۶**	۰/۳۶۴**	۱		
همدلی	۰/۴۶۶**	۰/۶۷۷**	۰/۱۸۷**	۰/۳۲**	۰/۳۶۷**	۱	
مهارت‌های اجتماعی	۰/۳۷۷**	۰/۳۲۹**	۰/۴۲۶**	۰/۴۶۶**	۰/۲۳۷**	۰/۰۶۴	۱

p<۰/۰۱ ** P<۰/۰۵ *

جدول ۵، ماتریس همبستگی متغیرهای ساختار توانمندساز مدارس و هوش هیجانی معلمان ابتدایی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین متغیر ساختار توانمندساز مدارس و هوش هیجانی رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ۰/۴۵۹ بوده و در سطح ۰/۰۱ معنادار هست. همچنین بین ساختار توانمندساز مدارس و خودآگاهی ($r=0/415$)، ساختار توانمندساز مدارس و خودگردانی ($r=0/318$)، ساختار توانمندساز مدارس و خود انگیزی ($r=0/344$)، ساختار توانمندساز مدارس و همدلی ($r=0/466$)، و ساختار توانمندساز مدارس و هوش هیجانی ($r=0/377$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P<0/01$).

فرضیه چهارم: هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی شهرستان ممسنی، نقش واسطه‌ای دارد.

برای بررسی نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی از مدل‌سازی معادلات ساختاری از طریق AMOS استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در زیر ارائه شده است.



نمودار ۲. مدل نهایی پژوهش

شکل ۲، مدل نهایی نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی را نشان می‌دهد. در مدل‌سازی معادلات ساختاری قبل از اینکه مدل پذیرفته شود باید مشخص شود که آیا داده‌ها با مدل مفهومی پژوهش برازش دارد یا خیر. متخصصان شاخص‌های را به‌منظور بررسی برازش مدل ارائه داده‌اند. چنانچه شاخص‌های مدل با آنچه متخصصان ارائه داده‌اند همسو باشد می‌توان گفت که داده‌ها با مدل برازش دارد. در جدول زیر شاخص‌های برازش داده‌ها با مدل مفهومی ارائه شده است.

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل نقش میانجی هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد معلمان ابتدایی

مقدار شاخص	معادل فارسی	علامت اختصاری
۰/۸۹۷	شاخص برازش تطبیقی	CFI
۰/۹۴۵	شاخص توکر-لوپس	TLI
۰/۹۲۷	شاخص برازش هنجار شده	NFI
۰/۹۱۲	شاخص نیکویی برازش	GFI
۰/۰۳۲	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA
۲/۶۷	کای اسکوتر بهنجار شده	CMIN/DF

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، شاخص کای اسکوتر بهنجار (CMIN/df) برابر با ۲/۶۷ است که مقادیر زیر ۳ مقادیر مناسبی برای برازش مدل می‌باشند و شاخص نیکویی برازش (GFI) معادل ۰/۹۱۲ هست. شاخص توکر-لوپس (TLI) برابر با ۰/۹۴۵ هست، شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۸۹۷ هست و شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۲۷ هست که بالاتر بودن این مقادیر از مقدار ۰/۹ همگی نشان‌دهنده برازش خوب مدل هست. همچنین شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز برابر ۰/۰۳۲ بود که نشان‌دهنده این است که مدل به‌خوبی برازش یافته است.

جدول ۷. نتایج مدل‌سازی معادله ساختاری متغیرهای پژوهش

مسیرهای الگو	B	SE	t	اثر غیرمستقیم
ساختار توانمندساز مدارس به عملکرد شغلی	۰/۴۰	۰/۶۵۱	۰/۱۶۳	۰/۳۱۲
ساختار توانمندساز مدارس به هوش هیجانی	۰/۵۲	۰/۸۲۶	۰/۱۶۴	-
هوش هیجانی به عملکرد شغلی	۰/۶۰	۱/۷۱۷	۰/۲۳۹	-

جدول ۷، نتایج مدل‌سازی معادله ساختاری مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد. ضرایب الگوی پژوهش نشان می‌دهد که ضریب مسیر ساختار توانمندساز مدارس به عملکرد شغلی برابر ۰/۴۰ هست و این نشان می‌دهد که با یک واحد افزایش

در ساختار توانمندساز مدارس، عملکرد شغلی به میزان ۰/۴۰ تغییر می‌کند. ضریب مسیر ساختار توانمندساز مدارس به هوش هیجانی برابر ۰/۵۲ هست و این نشان می‌دهد که ساختار توانمندساز مدارس به میزان ۰/۵۲ بر هوش هیجانی تأثیر مثبت دارد. ضریب مسیر هوش هیجانی به عملکرد شغلی برابر ۰/۶۰ هست و این نشان می‌دهد که هوش هیجانی به میزان ۰/۶۰ بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت دارد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود متغیر ساختار توانمندساز مدارس علاوه بر تأثیر مستقیم، به‌طور غیرمستقیم نیز (از طریق هوش هیجانی) به‌اندازه ۰/۳۱۲ می‌تواند بر عملکرد شغلی تأثیر بگذارد. از این رو می‌توان گفت که هوش هیجانی در رابطه بین ساختار توانمندساز مدارس و عملکرد شغلی معلمان ابتدایی، نقش میانجی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج فرضیه اول بیانگر این است که ساختار سازمانی توانمندساز مدارس که همراه با وجود قوانین و مقررات انعطاف‌پذیر در مدرسه؛ وجود قوانین مشوق و تسهیل‌کننده نوآوری؛ وجود مقررات و رویه‌های نوآورانه وضع‌شده به‌صورت مشارکتی؛ وجود قواعد مدیریتی تسهیل‌کننده و مشوق روابط قابل‌اعتماد و صحیح بین معلمان و مدیر؛ وجود سلسله‌مراتب مدیریتی توانمندساز و حامی نوآوری؛ وجود روابط هم‌سطح و آزادانه در جهت ترویج فعالیت‌های تخصصی، حرفه‌ای و نوآورانه؛ وجود ساختار سازمانی منعطف و سلسله‌مراتب مشوق نوآوری؛ اعمال اختیارات قانونی به‌منظور کمک به انجام کارهای نوآورانه بهتر و باکیفیت‌تر در مدرسه هست، موجب می‌شود تا معلمان وظایف محوله را به نحو شایسته‌تری انجام و عملکرد آنان بهبود می‌یابد. نتایج این فرضیه با نتایج سایر مطالعات از جمله مطالعه فضلی (۱۳۹۹) و جونز و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی داشته و نتایج در یک راستا بوده است.

نتیجه فرضیه دوم نشان می‌دهد که هوش هیجانی که توانایی فرد در درک و کنترل احساسات و هیجانات خود و همچنین توانایی فرد در تشخیص احساسات دیگران به‌منظور هدایت فکر و عمل آن‌ها است، یکی از عوامل و فاکتورهای مهم در سلامت ذهنی و انطباق فرد با شرایط زندگی و کاری هست و با تقویت این هوش، افراد می‌توانند عملکرد شغلی بالاتری را نشان دهند. نتایج این فرضیه با نتایج سایر مطالعات از جمله مطالعه سبحانی و همکاران (۱۳۹۶) و ایرامیت و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی داشته و نتایج در یک راستا بوده است.

بر اساس نتایج فرضیه سوم، هنگامی که مدیران قواعد و مقرراتی را طراحی می‌کنند تا به معلمان کمک کنند فرهنگ اعتماد توسعه می‌یابد و باعث می‌شود معلمان در روابط خود با ناظران، همکاران و والدین بسیار حرفه‌ای باشند. قواعد و مقررات و رویه‌ها منجر به حل مسائل در بین اعضا می‌شود. تواناسازی رسمی سازی، ساختار سلسله‌مراتبی است که بیشتر به مرئوسان در کارهایشان کمک می‌کند. توانا ساختن مدارس، اعتماد را پرورش می‌دهد و به معلمان برای درس گرفتن از اشتباهات کمک می‌کند. بنابراین ملاحظه می‌شود که بهبود ساختار توانمندساز در مدارس باعث تقویت هوش هیجانی شامل خودآگاهی، خودگردانی، خود انگیزشی، همدلی و هوش هیجانی معلمان می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج سایر مطالعات از جمله فضلی (۱۳۹۹) همخوانی داشته و نتایج در یک راستا بوده است.

نتیجه فرضیه چهارم نشان‌دهنده این موضوع هست که هرچقدر آموزش و پرورش در توسعه توانمندسازی مدارس در حوزه‌های مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بیشتر باشد، معلمان قدرت بیشتری در کنترل و درک احساسات خود و دیگران (هوش هیجانی) خواهند داشت و در نتیجه با رضایت خاطر و آرامش بالاتری اقدام به انجام وظایف خواهند نمود و در نتیجه عملکرد شغلی آن‌ها بهبود می‌یابد. ساختار توانمندساز مدارس که دربرگیرنده درک رهبران آموزشی به پرورش حس همکاری، نوآوری و اعتماد در میان همکاران می‌باشد، موجب انعطاف پذیری و افزایش مهارت های حل مساله می‌شود و با فراهم آوردن آزادی عمل برای معلمان، انگیزه لازم برای بهبود عملکرد را در آنها بوجود می‌آورد. به عبارت دیگر، هرچقدر ساختار مدرسه توانمندسازتر باشد و از ساختار منع کننده فاصله بگیرد، خشنودی شغلی و اثربخشی معلمان بیشتر می‌شود. در ساختار توانمندساز مدارس، مدیران و معلمان در راستای مرزهای اختیار مشخص همکاری دارند و در همین حال نقش های متمایز خود را ایفا می‌کنند. در این ساختارها، هم قوانین و هم سلسله مراتب مکانیسم هایی برای حمایت از معلمان هستند تا اینکه وسیله ای برای افزایش قدرت مدیران باشند که این خود منجر به افزایش رضایتمندی شغلی معلمان و در نتیجه افزایش عملکرد شغلی و اثربخشی مدارس خواهد شد. هوش هیجانی، توان استفاده از احساس و هیجان خود و دیگران در رفتار فردی و گروهی در راستای دستیابی به بیشترین مطلوبیت است. بنابراین، تلفیق دانش مدیریتی و توانایی های هیجانی در مدیریت می‌تواند در سوق دادن افراد به سوی دستیابی به هدف کارساز و مفید باشد. درک و اداره هوش هیجانی به شکل مؤثر نه تنها بینش های جدیدی درباره برانگیختن افراد ارائه می‌کند بلکه این امکان را می‌دهد که درباره احساسات و اداره آنها به شکل سازنده عمل شود و موجب می‌شود که

معلمان عملکرد بالاتری از خود نشان دهند. در هیچ یک از مطالعات داخلی و خارجی به صورت همزمان به بررسی رابطه بین هر سه متغیر این مطالعه، پرداخته نشده که بتوان مورد مقایسه قرار داد.

با توجه به نتایج فرضیه های تحقیق، پیشنهاد می شود:

- مدیران مدارس نیز در نقش رهبران آموزشی نوآور با حفظ چهارچوب های اصلی نظام تعلیم و تربیت کشور نسبت به توانمندسازی ساختار مدارس با عنایت به نشانگرهای به دست آمده از پژوهش اهتمام ورزند و زمینه ی بروز فعالیت های نوآورانه معلمان، کارکنان و دانش آموزان را فراهم کنند و فضایی بانشاط و پرتحرک در مدارس ایجاد نمایند.
- آموزش و پرورش آموزش های توانمندسازی مدارس را در برنامه های آموزشی و ضمن خدمت خود برای آشنایی و استفاده از مشاوران، مدیران، معلمان و مربیان قرار دهد و در ارزشیابی سالانه مدارس، ساختار توانمندساز مدارس در نظر گرفته شود و مدیرانی که در راستای توانمندسازی مدارس تلاش می کنند مورد تقدیر و قدردانی قرار گیرند.
- برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی کافی متناسب در زمینه هوش هیجانی
- توجه بیشتر به متغیر هوش هیجانی در برنامه ریزی های کوتاه مدت و بلندمدت
- سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزش و پرورش و سایر سیستم های آموزشی کشور نتایج این مطالعه را مدنظر قرار داده و به همگرایی مثبت این متغیرها توجه ویژه مبذول نمایند.

منابع

Abdullahzadeh H, Abbasian H, Alinejad M. (). Explaining the role of the enabling structure of the school in the effectiveness of the school by mediating the academic optimism of the teachers, Educational and Educational Studies Quarterly. 2016; 6 (2). [Persian].

Ashrafian N, Salehi K. Using Grounded Theory to Explain the Process of Developing Self-Regulated Students in Elementary Schools with Emphasis on the Role of Teachers. . 2021; 9 (43):51-104. [Persian].

Azar nioushan m, mashayekh m, mohammadi shir mahaleh F. The relationship between teachers' organizational innovation and job performance and job satisfaction. Journal of innovation and creativity in humanities. 2018; 8 (3): 75-94. [Persian].

Balkar, B. (2015). Defining an empowering school culture (ESC): Teacher perceptions. Issues in Educational Research, 25(3), 205.

Chendler, P. (2010). Teaching disturbed and disturbing student. (2nd.ed). Austin, Texas. Pro.ed.

Dlouhá, J., & Pospíšilová, M. (2018). Education for Sustainable Development Goals in public debate: The importance of participatory research in reflecting and supporting the consultation process in developing a vision for Czech education. *Journal of Cleaner Production*, 172, 4314–4327. Doi: 10. 1016/j. jclepro. 06. 145

Fazli A. Modeling the relationship between the empowering structure of schools, emotional intelligence and the effectiveness of schools in Ahvaz city, Master's thesis, Islamic Azad University, Naraq branch. 2019. [Persian].

Gravand P, Ghasemzadeh A, Mahdiun R. (), the role of the empowering structure of schools and the psychological climate of the work environment in teachers' career optimism, *New Strategies of Teacher Education*. 2018; 5 (7). [Persian].

Hadadnia S, Jokar N. The Relationship between Spiritual Intelligence and Emotional Intelligence and Organizational Citizenship Behavior of Secondary School Teachers in Shiraz. *New Approaches in Educational Management Quarterly*. 2015; 7 (2): 150-180. [Persian].

Hashim, S.H & Khalil, M.S. (2018). Self-efficacy, emotional intelligence and quality of life amongst Saudi sample cancer patients. *Journal of Psychology and Clinical Psychiatry*, 9(5), 450-454.

Hoy, W., & Sweetland, S. (2001). Designing better schools: The meaning and measure of enabling school structures. *Educational Administration Quarterly*, 37(3), 296-321.

Irameet, Kaur,. Charu, Shri,. K. M. Mital (2019). The Role of Emotional Intelligence Competencies in Effective Teaching and Teacher's Performance in Higher Education. *Higher Education for the Future*. Volume: 6 issue: 2, page(s): 188-206

Kohi AH, Hashemi A, Minaei A, Dehghan A. (), the relationship between the empowering structure of schools with teachers' job satisfaction and the effectiveness of elementary schools in Qarchak city, career and organizational counseling. 2018; 11 (40). . [Persian].

Muhammad, Asrar-ul,. Sadia, Anwar,. Misba, hHassan (2017). Impact of emotional intelligence on teacher's performance in higher education institutions of Pakistan. *Future Business Journal*. Volume 3, Issue 2, December 2017, Pages 87-97

Platis, C. Reklitis, P. Zimeras, S. (2015). Relation between job satisfaction and job performance in healthcare Services. *International Conference on Strategic Innovative Marketing, IC-SIM 2014*, September 1-4, 2014, Madrid, Spain.

Ranjbar, H. Khademi, S.H & Areshtanab, H.N. (2017). The Relation between Academic Achievement and Emotional Intelligence in Iranian Students: A Meta-Analysis. *Acta Facultatis Medicae Naissensis*, 34(1), 65-76.

Sinden, J. E., & Hoy, W. K. (2011). A quality analysis of enabling school structure: Theoretical, Empirical and Research considerations. Working paper. The Ohio State University. Retrieved 24/7.

Sobhani N, Sobhani N, Manochehri B, Hosseini T. investigating the effect of emotional intelligence on the job performance of elementary school teachers in Marivan city, 10th International Conference on Psychology and Social Sciences. 2016

Tsang, K.K.; Wang, G.; Bai, H (2022). Enabling School Bureaucracy, Psychological Empowerment, and Teacher Burnout: A Mediation Analysis. *Sustainability* 2022, 14, 2047. <https://doi.org/10.3390/su14042047>

Zavvar T, Saban Basim F, Mehdizadeh J. Predicting job performance of teachers based on psychological empowerment and leadership style of headmasters. *New Educational Thoughts*. 2021; 17 (1). [Persian].

Study the mediating role of emotional intelligence in the relationship between the empowering structure of schools and the performance of elementary teachers in Mamsani city

Parvin Darabi, Nima Shahidi¹

Abstract

The purpose of this article was to study the mediating role of emotional intelligence in the relationship between the empowering structure of schools and the performance of elementary teachers in Mamsani city. The current research was applied in terms of its purpose and in terms of its method, it was among survey researches. Also, in terms of time, it was cross-sectional and a descriptive research, which used the correlation method. The target statistical population in this study was elementary teachers of Mamsani city (650 people) and according to Morgan's table, 242 people were considered as samples. The sampling method was stratified random. Collecting statistical information from three standard questionnaires of teachers' job performance (Hersey and Goldsmith, 1981), emotional intelligence (Golman, 2001) and empowering structure of schools (Hoy and Sweetland, 2001) were used. The content validity of all three questionnaires has been confirmed by the experts, and its reliability was determined after testing among 30 people from the statistical population by calculating Cronbach's alpha for the three questionnaires, respectively 0.927, 0.791 and 0.750. Pearson's correlation coefficient test, independent t test and path analysis were used to test the research hypotheses. The results of Pearson's correlation test in this study showed that there is a positive and significant relationship between the empowering structure of schools, emotional intelligence and teachers' performance ($P < 0.01$). There is a significant difference in the job performance of male and female teachers in Mamsani primary schools ($P < 0.05$). Also, the results of the path analysis test showed that emotional intelligence plays a mediating role in the relationship between the empowering structure of schools and the performance of elementary teachers in Mamsani city ($P < 0.01$). The more education and training in the development of schools' empowerment in various software and hardware areas, the more teachers will have more power in controlling and understanding their own and others' emotions (emotional intelligence) and as a result, they will carry out their tasks with greater satisfaction and calmness, and as a result, their job performance they improve.

Keywords: emotional intelligence, empowering structure of schools, teachers' performance

¹ Department of Educational Sciences, Noorabad Mamasani Branch, Islamic Azad University, Noorabad Mamasani, Iran.